

مصحف صنعاء و مسئله خاستگاه قرآن

بهنام صادقی / محسن گودرزی

ترجمه و مقدمه مرتضی کریمی نیا



www.ketab.ir

سرشناسه: صادقی، بهنام و گودرزی، محسن
عنوان و نام پدیدآور: مصحف صنعاء ۱ و خاستگاه قرآن = San'a' 1 and the Origins of the Qur'an / نویسندگان بهنام صادقی
و محسن گودرزی: مترجم مرتضی کریمی نیا.
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۳۹۹ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۲۶۹-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: قرآن -- نسخه های خطی عربی -- چاپ عکسی
موضوع: نسخه های خطی عربی -- یمن -- صنعاء -- چاپ عکسی
شماره افزوده: کریمی نیا، مرتضی، ۱۳۵۰، مترجم
رده بندی کنگره: Z۶۶۱۱
رده بندی دیویی: ۰۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۲۶۹۹۴

| مصحف صنعاء ۱ و مسئله خاستگاه قرآن

| بهنام صادقی و محسن گودرزی

| ترجمه و مقدمه مرتضی کریمی نیا

| با همکاری مرکز و کتابخانه مطالعات اسلامی بهارستان های امپایی

| طراح جلد: حبیب ایلون

| چاپ اول: ۱۴۰۰

| تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

| چاپ: اوقاف

| همه حقوق محفوظ است.

| تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

| تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

| قم - خیابان صدوقی - کوچه ۱۱ - شماره ۷۲

| تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۰۷۰۶



فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۲	مخطوطات قرآنی صنعاء
۱۵	مصحف صنعاء ۱
۱۸	ترتیب اوراق مصحف صنعاء ۱ و محتوای قرآنی آن
۲۷	رسانه‌ها: غلبهٔ منابع بر واقعیت
۲۸	مصحف صنعاء ۱ و متن رسمی قرآن
۳۰	تاریخ گذاری نسخهٔ صنعاء ۱
۳۲	منابع در باب مخطوطات صنعاء و مصحف صنعاء ۱
۳۹	ترجمهٔ حاضر
۴۱	پیشگفتار نویسندگان بر ترجمهٔ فارسی
۴۵	چکیده
۴۷	صنعاء ۱ و حوزهٔ مطالعات قرآنی
۵۶	دلالت‌های متنی-انتقادی؛ دلالت‌های تاریخی
۸۵	رسانه‌ها و مصحف صنعاء ۱
۹۳	یادداشتی بر این ویرایش
۹۸	علائم و قراردادهای
۹۹	متن لایهٔ زیرین مصحف صنعاء ۱
۹۹	برگهٔ 2A (سورهٔ بقره: ۸۷-۹۶)
۱۰۰	برگهٔ 2B (سورهٔ بقره: ۹۶-۱۰۵)
۱۰۲	برگهٔ استنفورد ۲۰۰۷، رو (سورهٔ بقره: ۱۹۱-۱۹۶)

۱۰۳	برگه استنفورد ۲۰۰۷، پشت (سورة بقره: ۱۹۷-۲۰۵)
۱۰۴	برگه دیوید ۸۶/۲۰۰۳، رو (سورة بقره: ۲۱۷-۲۲۳)
۱۰۵	برگه دیوید ۸۶/۲۰۰۳، پشت (سورة بقره: ۲۱۷-۲۲۳)
۱۰۶	برگه بُنهامز ۲۰۰۰، رو (سورة مائدة: ۴۱-۴۸)
۱۰۷	برگه بُنهامز ۲۰۰۰، پشت (سورة مائدة: ۴۸-۵۴)
۱۰۸	برگه 4A (سورة هود: ۱۰۵-۱۱۲)
۱۰۹	برگه 4B (سورة هود: ۱۲۰-۱۲۳ و سورة انفال: ۱-۳)
۱۱۰	برگه 5A (سورة انفال: ۷۳-۷۵ و سورة توبة: ۱-۷)
۱۱۱	برگه 5B (سورة توبة: ۷-۱۶)
۱۱۲	برگه 6A (سورة توبة: ۱۷-۲۶)
۱۱۴	برگه 6B (سورة توبة: ۲۶-۳۴)
۱۱۶	برگه 20A (سورة توبة: ۷۰-۸۰)
۱۱۷	برگه 20B (سورة توبة: ۸۱-۹۰)
۱۱۸	برگه 22B (سورة توبة: ۱۲۱-۱۲۹ و سورة مريم: ۱-۵)
۱۲۰	برگه 22B (سورة مريم: ۱-۲۹)
۱۲۲	برگه 23A (سورة مريم: ۲۹-۴۵)
۱۲۳	برگه 23B (سورة مريم: ۵۴-۷۰)
۱۲۵	برگه 7A (سورة حج: ۱۵-۲۶)
۱۲۶	برگه 7B (سورة حج: ۲۷-۳۹)
۱۲۷	برگه 31A (سورة يوسف: ۱۷-۲۰)
۱۲۸	برگه 31B (سورة يوسف: ۲۷-۳۱)
۱۲۸	برگه 32A (سورة يوسف: ۱۱۱ و سورة كهف: ۱-۵)
۱۲۹	برگه 32B (سورة كهف: ۱۵-۱۸)
۱۳۰	برگه 13A (سورة نحل: ۲۶-۳۷)
۱۳۱	برگه 13B (سورة نحل: ۳۷-۵۹)
۱۳۳	برگه 14A (سورة نحل: ۶۷-۶۹)
۱۳۴	برگه 14B (سورة نحل: ۷۷-۷۹)
۱۳۴	برگه 9A (سورة احزاب: ۵۱-۵۷)
۱۳۵	برگه 9B (سورة احزاب: ۵۷-۷۲)

۱۳۶	برگه 25A (سورة زمر: ۲۵-۳۶)
۱۳۶	برگه 25B (سورة زمر: ۴۲-۴۷)
۱۳۷	برگه 26A (سورة زمر: ۵۱-۷۰)
۱۳۸	برگه 26B (سورة زمر: ۷۰-۷۵ و سورة غافر: ۱-۸)
۱۳۹	برگه 15A (سورة طه: ۲۳-۶۱)
۱۴۱	برگه 15B (سورة طه: ۶۱-۸۰)
۱۴۲	برگه 30B (سورة طه: ۱۲۲-۱۳۳)
۱۴۳	برگه 30A (سورة انبياء: ۵-۱۹)
۱۴۳	برگه 10A (بخشی نامعلوم و سورة نور: ۱-۱۳)
۱۴۵	برگه 10B (سورة نور: ۱۳-۲۳)
۱۴۶	برگه 11A (سورة نور: ۲۳-۳۲)
۱۴۷	برگه 11B (سورة نور: ۳۲-۴۰)
۱۴۸	برگه 33A (سورة سبأ: ۱۲-۲۳)
۱۴۹	برگه 33B (سورة سبأ: ۲۳-۳۳)
۱۵۱	برگه 34A (سورة سبأ: ۴۰-۴۷)
۱۵۱	برگه 34B (سورة رعد: ۱-۵)
۱۵۲	برگه 35A (سورة رعد: ۶-۱۴)
۱۵۳	برگه 35B (سورة رعد: ۱۶-۲۱)
۱۵۳	برگه 36A (سورة رعد: ۲۵-۳۱)
۱۵۴	برگه 36B (سورة رعد: ۳۳-۴۰)
۱۵۵	برگه 16B (سورة قصص: ۱۹-۲۴)
۱۵۶	برگه 16A (سورة قصص: ۳۰-۳۵)
۱۵۶	برگه 28A (سورة صافات: ۱۵-۳۳)
۱۵۷	برگه 28B (سورة صافات: ۴۳-۶۸)
۱۵۷	برگه 29A (سورة صافات: ۸۲-۱۰۳)
۱۵۸	برگه 29B (سورة صافات: ۱۱۸-۱۴۴)
۱۵۸	برگه 18A (سورة حجر: ۴-۳۳)
۱۵۹	برگه 18B (سورة حجر: ۳۳-۷۴)
۱۶۱	برگه 19B (سورة حجر: ۸۷-۹۹ و سورة فرقان: ۱-۸)

مقدمه مترجم

دانش قرآن شناسی در دهه های اخیر با توجه مجدد به اسناد و شواهد باقی مانده از نخستین قرون پس از اسلام به دستاوردهای تازه ای در شناخت تاریخ متن قرآن دست یافته است. این امر البته «تجدید نظر طلبان غربی» (Western Revisionists) را که به وجود نهایی متن قرآن تا اواخر قرن دوم هجری باور ندارند، چندان خوشحال نمی کند، اما دست کم گاه توانسته است توجه آنها را نیز به اهمیت این اسناد و شواهد جلب کند. یافتن کتیبه های مختلف با خطوط و زبان های سامی در حجاز و بین النهرین، و ارائه تحلیل های تازه در این باب، کشف و تحلیل برخی مصاحف غیر عثمانی در یمن، نتایج آزمایش های مختلف کربن ۱۴ بر روی پوست بوم های برخی مصاحف کهن در جهان، و به طور کلی، انتشار متن برخی مصاحف به خط مایل یا حجازی، برجای مانده از قرن نخست هجری را می توان در شمار این تحولات دانست که هم در میان مسلمانان و هم در میان محققان غربی ولوله ای افکنده است.

نسخه های قرآنی به جا مانده از نخستین قرون اسلامی، هریک سندی برای شناخت تاریخ کتابت و قرائات قرآن کریم به شمار می آیند. از این جهت، نسخه های هرچه قدیمی تر، شاهدهی صریح تر و ارزشمندتر برای شناخت کهن ترین رویدادهای مرتبط با تاریخ متن و کتابت قرآن به شمار می آیند. طبیعی است برخی از این اسناد و مدارک، دانش های گذشته ما را - که مبتنی بر داده های منابع اسلامی و مکتوب کهن بوده اند - تأیید می کنند و پاره ای نیز به ما کمک می کنند اطلاعات گذشته خویش را از نو بازسازی یا تصحیح کنیم. اطلاعاتی دقیق تر در باب پیدایش و رواج قرائات رسمی و قرائات شاذ، اختلاف در رسم یا کتابت منطقه ای قرآن، قرائت های منسوب

به صحابه و ترتیب‌های متفاوت از چینش سوره‌های قرآن، سیر تحول علامت گذاری (نقط و اعراب) در متن قرآن، و به‌کارگیری تذهیب و سایر علایم مصحف‌نگاری در هنگام کتابت قرآن، همگی در سایه مطالعه بیشتر و پژوهش دقیق کهن‌ترین نسخه‌های قرآنی فراهم خواهد آمد.

هر نسخه قرآنی به خط حجازی،^۲ کوفی یا غیر آن از قرن اول تا چهارم هجری که به نحو عمومی در اختیار محققان قرار گیرد، دریچه تازه‌ای از اطلاعات در یکی از حوزه‌های تاریخ متن و کتابت قرآن بر ایشان می‌گشاید. هرچه از آغاز اسلام بیشتر فاصله می‌گیریم، اهمیت تاریخی این نسخه‌ها به نسبت کمتر می‌شود، اما این آثار هیچ‌گاه از حیث علمی بی‌اهمیت یا بی‌ارزش نمی‌شوند. پژوهش در قرآن نویسی

۱. قدیمی‌ترین آثار مکتوب به جامانده از کتابت قرآن کریم، تقریباً همگی به رسم الخط حجازی‌اند. نخستین بار میکله آماری بر اساس توصیف ابن ندیم (الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ ش، ص ۹) راجع به خط مکی و خط مدنی، اصطلاح «خط مکی» را به‌کار برد (نک، شیلایر در کتاب: Sheila S. Blair, *Islamic Calligraphy*, Edinburgh: Edinburgh University Press, 2006, p. 107, 134. ابن ندیم در الفهرست گفته بود که در خط مکی و مدنی که از کهن‌ترین خطوط عربی‌اند، انقباض عمومی به سمت بالا و راست متمایل‌اند و در شکل کلی خط این تفاوتی اندکی به چشم می‌خورد. این امر سبب شد که محققان غربی پس از میکله آماری، نسخه‌های قرآنی به خط کمال را از سایر مصاحف قرآنی به نوع خط کوفی متمایز کنند و به آن نام «حجازی» یا مایل بدهند. در این دسته از نسخه‌های قرآنی (که لزوماً نه در حجاز، بلکه حتی در شامات کتابت شده‌اند)، برخی نشانه‌ها و ویژگی‌های برجسته مانده از قرآن نویسی در قرون نخست مشاهده می‌شود که اغلب آنها در سایر مصاحف قرون بعدی نمی‌توان یافت. برخی از آن‌ها به کلی محو می‌شوند، و برخی دیگر تنها در قرآن نویسی به خط کوفی باقی می‌ماند. برخی از این نشانه‌ها از نظر من عبارتند از: خمیدگی کلی خط به سمت راست؛ استفاده از قطع عمودی و نه افقی (بیاضی)؛ استفاده حداکثری از تمام سطح پوست‌برگ؛ عدم تقید به نظم سطور و صفحه‌آرایی؛ استفاده از کتابت پیوسته (*scriptio continua*)؛ نبود تذهیب و سرسوره جز تذهیب‌های ساده یا الحاقی؛ رسم ناقص در کتابت صداهای بلند؛ فراوانی غرایب املائی در رسم کلمات؛ تعیین و نشانه گذاری پایان آیات؛ مشخص کردن بسمله به عنوان آیه مستقل؛ وجود سهو و اشتباهات مکرر کاتب؛ فراوانی قرانات خاص صحابه و شیوخ قرانات؛ و عدم رعایت ترتیب رایج در چینش سوره‌ها.

ذکر فهرست کاملی از تمام قرآن‌های کهن به خط حجازی همراه با مشخصات نسخه‌شناختی هر یک از این آثار در اینجا، مقدمه کنونی ما را بسیار طولانی می‌سازد. برای اختصار در نوشتار کنونی، من خوانندگان را به مقاله‌ای آنلاین با عنوان «فهرستی مختصر از نسخه‌های عربی قرآن قابل اتساب به قرن اول هجری» نوشته م. سیف‌الله در وبسایت www.islamic-awareness.org ارجاع می‌دهم. در این صفحه اینترنتی، تصاویر متنوع و فراوانی از نسخه‌های یادشده را نیز می‌توان مشاهده کرد.

<https://www.islamic-awareness.org/quran/text/mss/hijazi.html>

در جهان اسلام حتی طی قرون پنجم تا دهم هجری نیز می‌تواند جوانب مهمی از تاریخ حیات فکری و فرهنگی مسلمانان در جغرافیای وسیع جهان اسلام و در میان دولت‌های مختلف را بر ما بگشاید. از آنجا که هیچ امر فرهنگی و تمدنی، هرگز در خلأ و به دور از تحولات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی خود صورت نمی‌پذیرد، مطالعه این نسخه‌ها — که نمونه‌هایی از بالاترین درجه فرهنگ و تمدن اسلامی به‌شمار می‌آیند — می‌تواند جوانبی از رویدادهای تاریخی زمانه کتابت‌شان را بر ما هویدا کند و بالعکس، اطلاعات افزون‌تر ما نسبت به شرایط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی (و گاه مذهبی) روزگار کتابت، می‌تواند به فهم بهتر برخی از تفاوت‌ها و شباهت‌ها در این نسخه‌های کهن قرآنی بیانجامد.

متن قرآن در طبیعت نخستین خود قالبی شفاهی داشته است. این متن بنا بر روایات اسلامی پس از وحی، به دستور پیامبر اکرم (ص) با ابزارهای موجود در آن زمان کتابت شده است. روایات اسلامی، تدوین نهایی متن قرآنی به صورت مکتوب را به زمان عثمان خلیفه سوم نسبت می‌دهند و از همین رو، نسخه کنونی از متن قرآنی را قرآن عثمانی می‌خوانند که گفته می‌شود نسخه‌هایی از آن به شهرهای کوفه، بصره، شام، مدینه و مکه ارسال شده است. با این همه، سنت فاکسیری و تعلیم متن قرآن در قرون نخست، همواره به طریق شفاهی و از طریق سماع از مقری رواج داشته است و قریان، مفسران، ادیبان، و گاه فقیهان در کنار این سنت شفاهی، گاه به متن مکتوب از مصاحف کهن نیز اشاره و استناد می‌کرده‌اند. این امر یعنی استناد به متن مکتوب قرآنی، از قرن سوم به بعد بسیار بیشتر شده است و با مراجعه به این نسخه‌های مکتوب یا نقل گزارش‌های متقدمان در خصوص ویژگی‌های این مخطوطات و مصاحف، کتب‌های مرسوم الخط، قرائات، کتب المصاحف و مانند آن تألیف شده‌اند.

با تمام این احوال، بررسی عینی مصاحف قرآنی برجا مانده از قرون نخست به ندرت موضوع پژوهش محققان اسلامی بوده است. تنها در دهه‌های اخیر، برخی از محققان مسلمان چون طیار آلتی قولاج به انتشار نسخه برگردان (فاکسیمیل) از برخی مصاحف کهن پرداخته‌اند و برخی دیگر چون یاسین داتن، غانم قدوری، احمد، حسن شهدی و بشیر بن حسن الجمیری به تحلیل مباحث مرتبط با قرائات و رسم و هجای این مصاحف اهتمام ورزیده‌اند، تا از این طریق عناصر و داده‌های

اطلاعاتی بیشتر و دقیق‌تری را به تاریخ قرآن بیفزایند. یکی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها، مقاله مشترک بهنام صادقی و محسن گودرزی در تحقیق و انتشار متن قرآن در لایه زیرین «مصحف صنعاء ۱» است که در قالب کتاب حاضر برای پژوهشگران تاریخ قرآن در زبان فارسی ارائه می‌شود. از آنجا که متن کتاب چه بسا برای خوانندگان ناآشنا با مباحث نسخه‌پژوهی قرآنی بسیار مختصر و گاه مبهم می‌نماید، در این مقدمه می‌کوشم مهم‌ترین نکات تاریخی، تفسیری، و نسخه‌شناختی مرتبط را ارائه دهم تا خواننده کتاب با سهولت بیشتر بتواند از مباحث تخصصی آن بهره‌مند گردد.

مخطوطات قرآنی صنعاء

در سال ۱۹۷۲ میلادی/ ۱۳۵۱ شمسی، کارگرانی که مشغول تعمیر و بازسازی بخشی از دیوار غربی و سقف مسجد جامع صنعاء در یمن بودند، با صحنه‌ای شگفت مواجه شدند. این دیوار در اثر بارندگی سیل آسای سال قبل صدمه دیده و تخریب شده بود.^۱ به ناگاه ایشان در فضایی مابین سقف و دیوارهای فوقانی ساختمان مسجد، به شمار زیادی از اوراق پوستی و کاغذی برخوردند که از مدت‌ها پیش در آنجا رها شده، و بسیاری از آنها در اثر گذشت زمان و رطوبت، دچار فرسودگی شده بودند. با هماهنگی اداره اوقاف، این اوراق پوستی و کاغذی به مکانی دیگر منتقل شدند و رایزنی برای شناسایی و دسته‌بندی آنها آغاز شد.

بنا بر رسمی کهن در سنت اسلامی، مسلمانان قرآن‌ها و برگ‌های فرسوده قرآنی را به جهت احترام دور نمی‌ریختند، بلکه معمولاً آنها را در مکانی محصور و محفوظ در یکی از بناهای مذهبی می‌گذاشتند. مشابه این کار در جنبه یا گنیزه‌های یهودی هم به منظور حفاظت از اوراق کتب دینی قدیمی انجام می‌گرفته است.^۲ بیشتر اوراق

۱. تاریخ دقیق این کشفیات در میان سال‌های ۱۹۷۱، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳، همچنان معلوم نیست. گِرد پوین سال‌های ۱۹۷۱/۱۹۷۲، قاضی اسماعیل ال‌کوع ۱۹۷۲، و پانولو کوستا و سرجیو نویا نوسدا هر دوسال ۱۹۷۳ را صحیح می‌دانند، و کریستیان ژبن آن را در فاصله نوامبر ۱۹۷۲ تا جولای ۱۹۷۳ می‌داند. نک.

پانویس ۱ در مقاله اِلنور سلار در زیر:

Éléonore Cellard, "The San'a' Palimpsest: Materializing the Codices", *Journal of Near Eastern Studies* 80i (2021) p. 1.

۲. برای یک مقاله خوب در این باره، نگاه کنید به نوشته جوزف سدن در زیر:

کشف شده در جامع صنعاء، قرآن بود، اما شماری کتب دیگر از جمله متونی تفسیری و حدیثی (مجموعاً در حدود ۱۵۰ برگه) نیز در این میان یافت شد. این قرآن‌ها — برخی پوستی، و شماری بر روی کاغذ — با خطوط مختلف (حجازی یا مایل، کوفی، کوفی مشرقی، و نسخ) و از دوران‌های مختلف تاریخ به جا مانده بودند. شمار این اوراق قرآنی را از ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ برگه گفته‌اند؛ این تعداد برگه به حدود ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ نسخه قرآنی تعلق داشتند. از برخی مصاحف قرآنی چند برگ معدود، و از دیگر نسخه‌ها گاه تا ۵۰ برگ به دست آمده بود، اما هیچ قرآنی کامل نبود. اکنون به چند کار ضروری حاجت افتاد: شناسایی و تفکیک اوراق مشابه و متعلق به یک قرآن؛ دسته‌بندی و شماره‌گذاری هر یک از مجموعه‌ها؛ مرمت و بازسازی برگه‌های آسیب دیده؛ و تصویربرداری از نسخه‌ها.

در چند سال نخست، این اوراق را در گونی‌های سیب زمینی در زیرزمین موزه ملی یمن نگهداری کرده بودند. سپس در ۱۹۸۰، جایی به نام «دارالمخطوطات» در کنار مسجد جامع صنعاء ساخته شد تا نسخه‌ها به آنجا منتقل شود. قاضی اسماعیل الاکوع، رئیس وقت اداره اشیاء باستانی، موزه‌ها و نسخ خطی یمن بر اهمیت این آثار واقف، و در صدد انجام کاری درخور بود. نخستین دانشگاهی‌ها پیشنهاد دادند که مجموع اوراق برای ترمیم و بازشناسی به کپنهاگ منتقل شود. این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت. در سال ۱۹۷۴، آلبرشت نت (۱۹۳۷-۱۹۹۹)، استاد وقت مطالعات عربی و اسلامی در دانشگاه بن (آلمان)، هنگام بازدید از صنعاء، به اهمیت بسیار زیاد این کجینه از میراث اسلامی پی برد. وی دولت آلمان را بر ضرورت مشارکت در این احیای این آثار در خود صنعاء متقاعد کرد، اما این فرایند توافقات قریب شش سال به طول انجامید. پس از مذاکرات فراوان و آماده‌سازی مقدمات، سرانجام در پاییز ۱۹۸۰ میلادی، قرارداد پروژه بازشناسی و مرمت آثار قرآنی کشف شده در صنعاء منعقد شد. کارفرما اداره اشیاء باستانی، موزه‌ها و نسخ خطی یمن (الهيئة العامة للآثار والمتاحف والمخطوطات) بود و بودجه این پروژه به مبلغ ۲/۲ میلیون مارک (معادل ۱/۱ میلیون

یورو) از سوی بخش فرهنگی وزارت خارجه آلمان تأمین شد.

از آغاز، سرپرستی علمی پروژه در آلمان به آلبرشت نیت سپرده شد، اما عملاً طی نه سال (از ۱۹۸۱-۱۹۸۹)، دو آلمانی دیگر به نام‌های گُرد رودیگر پوین (دانشگاه زارلاند) و هانس کاسپار فُن بُتْمِر (دانشگاه زارلاند) به ترتیب سرپرستی پروژه را در محلی بر عهده داشتند. گُرد پوین از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ در صنعاء مستقر، و به کار شناسایی اوراق قرآنی، فهرست نویسی و تهیه میکروفیلم مشغول بود. پس از او، فُن بُتْمِر عهده‌دار این مسئولیت شد؛ وی یک سال در صنعاء ماند و در ادامه، با سفرهای مرتب به یمن، کار خود را از آلمان ادامه داد. همچنین از سال ۱۹۸۲ تا آخر سال ۱۹۸۹، اوریولا دراینهولتس، اهل اتریش و متخصص مرمت و کتاب آرایی اسلامی، به صورت تداوم وقت در صنعاء مشغول به کار بود و در این مدت، توانست کار ترمیم دست‌نوشته‌ها را به انجام برساند. وی همچنین محل نگهداری دائم مخطوطات را طراحی کرد، بسیاری از قطعات پوستی را جهت شناسایی دست‌نوشته‌های قرآنی مجزا مرتب کرده، و در عین حال، کار هدایت و نظارت بر کارکنان و کادر یمنی را نیز بر عهده داشت. پس از سال ۱۹۸۹، فُن بُتْمِر مرتباً به مجموعه سرکشی می‌کرد. در زمستان ۱۹۹۶-۱۹۹۷ او از تعداد قطعاتی که به مخطوطات قرآنی مجزا نسبت داده شده بودند، میکروفیلم تهیه کرد. این میکروفیلم‌ها اکنون در دارالمخطوطات صنعاء موجودند.

برگه‌های قرآنی کشف شده در جامع صنعاء بسیار زیادند. این آثار چونان اغلب نسخه‌های قرآنی محفوظ در کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر جهان از اهمیت تاریخی برخوردارند. در این میان، چیزی که به مخطوطات صنعاء شهرت و آوازه‌ای بسیار بخشید، شمار اندکی از نسخه‌های قرآنی پوستی به خط حجازی یا مایل بود که در کمتر کتابخانه‌ای نمونه‌هایی مشابه با آن‌ها را می‌توان یافت. نسخه‌های حجازی قرآن حاوی کهن‌ترین نمونه‌های کتابت و ثبت قرآن کریم‌اند، از این جهت ارزش تاریخی آنها که برخی‌شان ما را به قرن نخست هجری می‌رسانند، بسیار بیشتر از سایر نسخه‌های قرآنی است. شمار نسخه‌های قرآنی به خط حجازی در دارالمخطوطات صنعاء بنا به گفته فُن بُتْمِر ۲۲ تاست. این افزون بر تعداد معتابیهی نسخه‌های قرآنی کهن از قرون دوم، سوم و چهارم هجری به انواع خطوط کوفی است. جداسازی قرآن‌ها و شماره گذاری هریک از نسخه‌های کشف شده (اکنون محفوظ